

حزب جمهوری اسلامی (جستار گشایی)

جستار گشایی

سخن گفتن درباره وجود و ماهیت «حزب جمهوری اسلامی» همان قدر دشوار است که بحث درباره نفس تحزب در ایران، به ویژه در دوره پس از انقلاب ۱۳۵۷ به عبارت دیگر، پیچیدگی‌های مترتب بر قضاوت درباره کارنامه احزاب در ایران مدرن، بر داوری درباره حزب جمهوری اسلامی و عملکرد آن نیز صادق است؛ اما یک وجه مشترک میان این دو مقوله می‌توان یافت و آن عبارت است از: ناکامی!

ناگفته پیداست که ناکامی حزب جمهوری اسلامی، آن‌هم در چنان مقطع تاریخی حساس، اثرات سوء ماندگارتری داشت؛ چراکه به تحقق حکمرانی حزبی، که لازمه نظام های جمهوری و مردم‌سالار است آسیب جدی زد و عملاً اصول مربوط به تحزب و حقوق و آزادی‌های ملت در قانون اساسی را به محاق برده، یک فرصت تاریخی را برای نهادینه شدن فعالیت حزبی در ایران نه تنها در آن برهه زمانی از بین برد، بلکه آن را به یک چالش و حتی تهدید برای سیاست‌ورزان، در آینده جمهوری اسلامی ایران تبدیل نمود.

اگر سابقه و لاحقاً تحزب در ایران، به یک داستان تراژیک می‌ماند و آکنده از عدم کامیابی در رسیدن به اهداف تعریف شده و در پاره‌ای موارد مشوب به شائبه خیانت و ارتباط با بیگانگان است، که هست، عقل سلیم حکم می‌کند که وضع فعلی احزاب را، خوب یا بد، به همان پیشینه ارجاع داده و به تعبیر از قاعد «گندم از گندم بروید، جو ز جو»، عوامل این بی‌توفیقی را در گذشته‌های دور و نزدیک بجوییم.

از آنجا که تحولات سیاسی جاری در ایران، به گونه‌ای رقم خورده و می‌خورد که بیش از پیش پیامدهای مخرب فقدان نهاد تأثیرگذاری همچون احزاب به چشم می‌آید و ضرورت وجود احزاب واقعی و مستقل برای گذار از موقعیت دشوار فعلی در کشور، احساس می‌شود، بر آن شدیم ذیل موضوع خاطره‌نگاری سیاسی، طی چندین شماره به بررسی مسائل و مشکلات احزابی بپردازیم که پس از پیروزی انقلاب ۱۳۵۷ در ایران پدیدار و غالباً دچار سندرم «ناکامی» گشتند. پرواضح است که برای کاویدن علل و اسباب مرادنیافتن احزاب در این بازه زمانی در جامعه ایران، باید از تعارف و تجلیل یا تقبیح، کم کرده و بر مبلغ پژوهش و

تحقیق بیا فزاییم تا به سهم خود، فضایی دانش‌محور برای طرح و تبیین و حلّ این مسأله فراهم آوریم. سایه سنگین دوگانۀ ساختگی «دیو و دلبر»، تاکنون یکی از موانع اصلی برای بحث جدّی در این باب، بوده است؛ بدین جهت باید هاله‌های تقدّس را همگام با سایه‌های تیرۀ پلیدپنداری و زشت‌انگاری، کنار زده و غبار از چهره تاریخ تحزّب در چهاردهۀ اخیر بزدااییم تا شاید راهی به رهایی از این «ناکامی» مژمن بیا بایم.

بر صاحب‌نظران پوشیده نیست که از لحظه پیدایش نخستین نهادهای حزب‌گون در ایران، از فراموشخانه و فراماسوئری گرفته تا جامع آدمیّت و سپس‌تر تشکیل احزابی همچون اعتدالیون، عامیّون، ایران نوین، مردم، توده و... همواره این ساختارها و سردمداران‌شان به دید تردید نگریسته شده و همیشه مورد سوءظنّ حاکمان و حتی مردم عادی بودند؛ بگذریم از فقها که بنابر مبانی فقهی خود با تحزّب بر سر مهر نبودند. ظاهراً همین حزب جمهوری نیز که به شرحی که خواهد آمد، فرزند خلف انقلاب ۵۷ بود، بر بنیانگذار نظام تحمیل گشت و دستکم ایشان با اکراه و مشروط به شرایطی، با تشکیل آن موافقت کردند. پس تاریخ تحزّب در ایران مدرن هم‌عنان است با بدفهمی‌ها و تردیدها و تردّدهایی که در ایجاد و گسترش آنها، عملکرد و سوگیری‌های خود احزاب نیز بی‌تأثیر نبوده است.

همین بدبینی ریشه‌دار نسبت به احزاب، در بین خواص و عوام، همچون دشواره‌ای حل‌ناشدنی باقی‌ماند و نحوه ظهور حزب رستاخیز نیز در سال‌های پایانی حکومت پهلوی دوم، بر آن دامن زد و این بار سنگین شکاکیت را به دوران استقرار نظام جمهوری اسلامی منتقل نمود. از این روست که تشکیل حزبی برخاسته از متن انقلابیون مذهبی و چهره‌های نزدیک به رهبر انقلاب نیز به تفصیلی که خواهد آمد، نتوانست از بدنامی تحزّب بکاهد و همان علامت سؤال‌های پیشین بر جای خود ماند و ماند تا به امروز.

بدین منظور در این شماره از فصلنامه خاطرات سیاسی، پرونده‌ای تدارک دیده‌ایم تا نگاهی از نزدیک به حزب جمهوری اسلامی بیا فکنیم. حزبی فراگیر که بلافاصله پس از پیروزی انقلاب پای به عرصه وجود نهاد و به قوی‌ترین تشکل سیاسی- انقلابی، مبتنی بر ارزش‌های اسلامی- شیعی تبدیل شد و در برخی مقاطع نیز سرنوشت انقلاب و نظام را رقم زد.

در پاسخ به این پرسش مقدّر که چرا برای آغاز مباحث تحزّب در ایران، در فصلنامه خاطرات سیاسی، به سراغ حزب جمهوری اسلامی رفته‌ایم باید بگوییم که این تشکّل، به دلایلی که خواهد آمد، حزبی بود در تراز انقلاب اسلامی و نظام منبعث از آن. بنابراین هر حکمی

دربار آن صادر گردد، شاید قابل تعمیم به موارد دیگر نیز باشد. به تعبیری روشن‌تر، فضای حاکم بر حزب جمهوری اسلامی، همچنین کارنامه و عملکرد آن، استعاره و تمثیلی است نسبتاً گویا از هرآنچه در صدر انقلاب، به‌ویژه تا نیمه سال ۱۳۶۰، در این کشور انقلابزده جاری و ساری بوده است.

اما چرا این نهاد قدرتمند سیاسی، تشکلی درترازِ نظام تازه تأسیس جمهوری اسلامی بود؟ پاسخ به این سؤال مستلزم مروری دقیق و موشکافانه و بی غرض به زمینه‌های پیدایش، عوامل استمرار و علل توقف فعالیت‌های آن است که در این پرونده به قدر وُسع بدان پرداخته‌ایم. به‌طور خلاصه و فهرستوار باید یادآور شویم که این حزب، همچون انقلاب ۵۷ و نظام نوپدید جمهوری اسلامی، دارای رهبری قوی و کاریزماتیک همچون آیت‌الله بهشتی بود؛ همانند انقلاب و نظام در آن زمان، مجمع نیروهای بود که همبستگی تاکتیکی متزلزل و لغزان داشتند، به این معنا که در میان اعضای آن از روحانیان سنتی تا روشنفکران به تعبیر امروزی، سکولار به چشم می‌خورد؛ مثل نظام برآمده از انقلاب، آماج اتهامات راست و دروغ بود، از انحصارگرایی تا قدرت‌طلبی و حذف رقبا؛ اختلافات و تعارضات درونی آن، تصویر کوچک شده‌ای از تضادهای حاکم بر نظام در آن دوران بود و سرانجام همچون انقلاب ۵۷ و هر نظام برساخته برپایه یک انقلاب کلاسیک، به تدریج از آرمان‌های اولیه خود فاصله گرفت و به دنبال آن، عناصر اصلی و بانیان خود را از دست داد؛ حال یا به‌صورت حذف اجباری و یا فاصله گرفتن اختیاری که می‌توان نام آن را «ریزش» پس از «رویش» نهاد، کوتاه سخن این‌که حزب جمهوری اسلامی، همچنان که از نامش پیداست، ماکت و طرحی بود از نظامی که اسمش را یدک می‌کشید.

برای ارائه روایتی تحلیلی و مستند از قصه پرغص حزب جمهوری اسلامی، به سراغ بقیه‌السلف بزرگان و مؤسسان فقید آن، جناب آقای مسیح مهاجری، رفتیم. ایشان جزو معدود اعضای در قید حیات شورای مرکزی حزب هستند و وجودشان برای ثبت تاریخچه این حزب و انتقال تجربه پرهزینه آن به نسل جدید سیاست‌ورزان، مغتنم است. گفتگوی مدیر مسؤول و سردبیر فصلنامه با ایشان، که طی دو جلسه دوساعته محقق شد، حاوی نکات ناگفته بسیاری است که کارکردی دوگانه دارد؛ از سویی به نکات مبهمی که در طول چهل سال گذشته سربه‌مهر مانده است اشاره رفته است و از سویی دیگر پرسش‌های جدیدی را در اذهان ورزیده ایجاد کرده است که به مرور زمان باید به شیوه‌های علمی و بهره‌گیری از روش‌های نوین تاریخ‌پژوهی باید بدانها پاسخ گفت.

ذکر این نکته ضروری است که محتوای پرونده «حزب جمهوری اسلامی» در این شماره از فصلنامه خاطرات سیاسی، اعم از مقالات و مصاحبه

مذكور، آغازی است بر مسیر درازدامن تاریخ تحلیلی تحزب در ایران که این نشریه عهده‌دار آن شده و امید است با مشارکت همه صاحب‌نظران و سیاست‌ورزان و تاریخ‌نگاران، در آینده‌ای نزدیک مواد اولیه تدوین دایره‌المعارف حزب و تحزب در ایران را فراهم آورد.